

## سیر مفهوم ذهن و علم در ریشه «شاکله» و کارکرد آن در رفتار

اعظم السادات حسینی \*

سهیلا پیروزفر \*\*

سید کاظم طباطبایی پور \*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۴

تاریخ تایید: ۱۳۹۹/۰۶/۲۶

### چکیده:

در منابع دینی اعم از آیات و روایات، طیف گسترده‌ای از آموزه‌ها بیانگر تأثیر عقل، علم و تفکر بر کنش‌های انسانی است چنان‌که آیه «لو کُنَّا نسمع أو نعقل ما کُنَّا فی اصحاب السعیر» به روشنی منشأ اعمال دوزخیان را اجتناب از به‌کارگیری تفکر و تعقل می‌داند و آیه «هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون» (زمر/۹) تنها معیار ارزش‌گذاری انسان‌ها را علم ایشان می‌داند. از سویی دیگر آیه ۸۴ سوره اسراء اساس همه رفتارها را «شاکله» دانسته است. گرچه لغت‌شناسان مفهوم «شبهات» را به عنوان معنای محوری ریشه «شکل» برگزیده‌اند، اما پژوهش حاضر با جستار جایگاه ذهن و علم در این ریشه بر اساس روش معناشناسی تاریخی و مطالعات ریشه‌شناختی، ذهن و مفاهیم مربوط به آن همچون تفکر و تعقل را از محوری‌ترین مفاهیم ریشه «شکل» یافته است. همچنین با تبیین برخی معادل‌های پر تکرار تفسیری برای «شاکله» همچون نیت، ناحیه، ملکه و... به چگونگی ارتباط آنها با علم و تفکر دست یافته است و ازین رهگذر بر پیوند مفهوم «شاکله» با علم و تفکر تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: شکل، شاکله، ذهن، علم، شبهات، ریشه‌شناسی.

\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد [azsa.hoseini@gmail.com](mailto:azsa.hoseini@gmail.com)

\*\* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد [spirozfar@um.ac.ir](mailto:spirozfar@um.ac.ir)

\*\*\* استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد [tabatabaei@um.ac.ir](mailto:tabatabaei@um.ac.ir)

## درآمد

آیات متعددی از کتاب وحی به مقوله عمل به عنوان مؤثرترین مسأله در شکل گیری حیات اخروی و دنیوی انسان تصریح کرده اند مانند «أم حسب الذین اجترحو السیئات أن نجعلهم کالذین امنوا و عملوا الصالحات سواء محیاهم و مماتهم» (۲۱/جاثیه) و این که عرصه قیامت تجلی گاه اعمال است «و وجدوا ما عملوا حاضرا» (۴۹/کهف) و به تعبیری درجه و جایگاه هر انسان در آخرت دایره مدار عمل اوست «ولکل درجات مما عملوا» (۴۶/احقاف). این پایه از اهمیت مفهوم عمل، به خاستگاه رفتار نیز جایگاه ویژه ای بخشیده است. محوری ترین آیه که به بیان خاستگاه اعمال پرداخته آیه «قل کل یعمل علی شاکلته» (آسراء/۸۴) است. ساختار تک کاربرد «شاکله» از ریشه «شکل»، مؤنث «شاکل» اسم و بر وزن فاعله است. (صافی، ۱۴۱۸: ۱۵/۱۰۴) برخی این واژه را غیر حجازی و از قبیله جرهم (ابن حسون، ۱۹۴۶: ۴) و برخی از قبیله هذیل می دانند. (سیوطی، بی تا: ۹۱۳). واژه ای که به رغم تک کاربردی بودن آن در قرآن کریم، معانی مختلفی در طول سنت تفسیری از سوی مفسران برای آن ارائه شده، از میان معادل های تفسیری گوناگون از دوره پیدایش تفاسیر تا کنون، برخی همچون «نیت» همواره بر آن تأکید ویژه ای حتی در لسان معصومین بوده است. همچنین به دلیل پیچیدگی مفهومی ریشه «شکل» لغت شناسان نیز اصلی واحد برای آن ارائه نداده اند. ریشه شکل در زبان های نیا دارای مفاهیم بسیاری

بوده که برخی از آن ها به زبان عربی نیز راه یافته است (حسینی، ۱۳۹۹: ۴۵). با مذاقه در دستاوردهای زبان شناسان و ریشه شناسان سامی ارتباط نیت و شماری از معادل های شاکله که از مقوله ذهن و علم و تفکرند با برخی مفاهیم ریشه شکل در زبان های نیا که به عربی نیز سریان یافته آشکار می شود.

## پیشینه

گوناگونی برداشت ها از مفهوم «شاکله» موجب شده که فقط در ۴ قرن اول هجری چهارده معنای مختلف برای آن ذکر شود. (حسینی، ۱۳۹۸: ۱۰۰) برخی مفسران، واژه «شاکله» را کاربردی استعاری (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲/۳۴۶؛ سید رضی، بی تا: ص ۲۰۴) یا مجاز (بغوی، ۱۴۲۲: ۳/۱۵۸) دانسته اند، لغویان معانی گوناگونی برای این ریشه آورده اند. با این حال کتاب های «غریب القرآن»، «مشکل القرآن» و «وجوه القرآن» از واژه «شاکله» یاد نکرده و معنایی از آن ارائه نداده آن را غریب یا مشکل یا دارای تفاوت معنایی ندانسته اند. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۱۴: ابن قتیبه، ۲۰۱۱؛ سجستانی، ۱۴۱۶؛ عسکری، ۱۴۰۰؛ تفلیسی، ۱۳۶۰). در عصر حاضر نیز تلاش های بسیاری از سوی پژوهشگران در فهم این آیه صورت پذیرفته، که از جمله می توان به کتاب هایی چون «شاکله نفس، معنا و فرایند» (اخوت، ۱۳۹۴)، «شاکله نفس» (اخوت، ۱۳۹۴) و مقالات «دلالت های تربیتی مفهوم قرآنی شاکله بر اساس رهیافت علامه طباطبایی در تفسیر المیزان» (قراملکی، ۱۳۹۳ ش)، «مواجهه مسأله محور با آیه شاکله، رویکردی روش

از زبان های نیا نشان داده شده است. ازین رهگذر به چگونگی پیوند برخی معادلهای پرتکرار تفسیری برای «شاکله» همچون «نیت، ناحیه، ملکات و...» با مفهوم علم راه یافته و مفهوم ذهن و آگاهی های آن را یکی از مؤلفه های اساسی در «شاکله» می داند.

#### ۱ - گونه شناسی آراء لغت شناسان و مفسران در باره ماده «ش ک ل» و واژه «شاکله»

بیشتر لغت شناسان مسلمان مفهوم «شبه و مثل» را به عنوان اصل در این ماده تلقی کرده سپس به مناسبت سیلق های مختلف به ذکر مشتقات آن پرداخته اند. آنان معتقدند که اگر شباهت دو چیز در هیأت و صورت باشد از واژه مشاکله و اگر مشابهت در کیفیت باشد از واژه شباهت استفاده می شود. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲۷۳) و عبارت «هذا علی شکل هذا» به معنای «این شبیه دیگری است» (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹: ۲۹۵) و «امر مشکل» را معادل «امر مشتبّه» می دانند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۰۴/۳) زیرا وقتی امری مشکل می شود که شبیه چیز دیگری باشد و تشخیص آن مشکل شود.

لغویان، ذیل ماده ی شکل گرچه شباهت و مماثلت را اصلی برای این ماده قرار داده اند اما با توجه به کاربردها و مصادیقی که ذکر کرده اند در عمل یک معنای جامع برای آن نیافته اند زیرا بسیاری از کاربرد-هایی که ذکر شده ذیل مفهوم شباهت قرار نمی گیرد. از این رو ابن فارس بر خلاف رویه ی خود که برای لغات در جستجوی اصل واحد یا دو اصل است در ماده ی شکل تعبیر (معظم بابه المماثله) به کار برده

شناختی» (قراملکی، ۱۳۹۳ ش)، «شاکله نظریه محوری اسلام در خصوص شخصیت» (سمنون، ۱۳۹۶ ش)، «سیر تحول معنایی انگاره شاکله؛ در گستره تفاسیر، دوره پیدایش و کلاسیک»، (قبادی و درزی، ۱۳۹۷ ش) «فرایندشناسی مطالعات میان رشته ای در پژوهش های قرآنی، نمونه موردی واژه شاکله در آیه ۸۴ سوره اسراء» (درزی و سلمان نژاد، ۱۳۹۸ ش). در این آثار، به آیه شاکله از منظرهایی چون بررسی الزامات تربیتی مفهوم شاکله بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی، و روشهایی چون مواجهه مسأله محور و تحلیل منطقی، بیان دیدگاههای اشاعره و جبریون در خصوص شاکله و بررسی آن، بهره گیری از روش تاریخ انگاره و بررسی تاثیرگذاری ذهنیت های قبیله ای و اجتماعی و پیش فرض های کلامی، ادبی، عرفانی بر انگاره شاکله و نیز با به کارگیری روش مطالعات میان رشته ای پرداخته اند.

پژوهش حاضر با بهره گیری از روش معناشناسی تاریخی سامان یافته است. در روش «معناشناسی تاریخی-ریشه شناختی» به بحث از تحولات معنایی واژگان در گذر زمان پرداخته می شود (Campbell, ۱۹۹۹: ۲۵۶-۲۶۷).

مقاله حاضر با ارائه سیر تاریخی ماده «ش ک ل» در زبانهای آفراسیاتیک و سامی یکی از مؤلفه های معنایی این ریشه در زبان های نیا را قلمرو ذهن و مفاهیم مربوط به آن همچون علم و فکر یافته سپس تحلیل های لغوی عالمان مسلمان ارزیابی شده و راهیابی این مفهوم به برخی کاربردهای آن در عربی

است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳ / ۲۰۴) مصادیقی چون (الاشکل من الابل و الغنم ما یختلط حمره او غبره) (زبیدی ۱۴۱۴: ۱۴ / ۳۸۰) شتر و گوسفندی که رنگشان آمیخته‌ای از سیاهی و سرخی باشد به گونه‌ای که تشخیص رنگ مشکل باشد (شکال) ریسمانی که چهار پایان را با آن به بند کشند. (زمخشری، ۱۴۱۷: ۳۳۶) (شکلت المرأ شعرها) (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۴ / ۳۸۱) (زن موی سرش را از چپ و راست بافت) (شواکل) راه‌های گشاده (ابن سیده، ۱۴۲۱: ۶ / ۶۸۸) (استشکل الامر) کار، مبهم و پیچیده شد (مطرزی، ۱۹۷۹: ۱ / ۴۵۲) (اشکل‌الکتاب) نوشته با حرکات و نقطه واضح گردید. (ابن سیده، ۱۴۲۱: ۶ / ۶۸۶؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۵).

با رجوع به آراء مفسران حتی از همان دوران صحابه و تابعان شاهد طیفی از دیدگاه‌های متنوع در تفسیر این آیه هستیم. تا نیمه دوم قرن سه، در آثار کسانی که به نگارش کتاب‌هایی با موضوع واژه‌های مشکل و غریب در قرآن پرداخته‌اند، یا وجوه مختلف معنایی برخی واژگان قرآن را آورده‌اند؛ مثل ابن قتیبه دینوری (د ۲۷۶ ه) در *تأویل مشکل القرآن*؛ سجستانی (د ۳۲۰ ه) در *غریب القرآن*؛ حبیب بن ابراهیم تغلیسی در *وجوه قرآن*، (د ۵۵۸ ه) و أخفش (د ۲۱۵ ق) در *معانی القرآن*؛ از واژه «شاکله» معنایی ارائه نکرده‌اند اما در آثاری مثل *معانی القرآن* از فراء (د ۲۷۰ ق) و نحاس (د ۳۳۸ ق)، به این واژه توجه نشان داده شده است.

به نظری رسد مفهوم ذهن و علم یکی از مفاهیم پر اهمیت در ریشه «شکل» و واژه «شاکله» است که هم در زبانهای نیا و هم در زبان عربی و هم در برداشت های تفسیری از جایگاه خاصی برخوردار بوده است.

## ۲ - پی جویی مفهوم ذهن و علم در ریشه «شکل» در زبان های نیا:

بررسی فرآیند ساخت ماده (شکل) نشان می‌دهد که تلاش‌های لغت شناسان بر محوری دانستن مفهوم شباهت برای ریشه «شکل» چندان دقیق نیست بلکه مفاهیم دیگری نیز از زبان های نیا به این ریشه در عربی راه یافته اند که در این میان ذهن و مفاهیم مربوط به ادراک ذهنی مانند فهمیدن، نفهمیدن، عالم بودن و یا جاهل بودن در این ریشه اهمیت بسزایی دارند.

## ۲ - ۱. مفهوم ذهن در ریشه آفروآسیاتیک «ش ک ل»:

جستجوها برای یافتن قدیمی‌ترین نشان از ماده (شکل) در زبان باستانی آفروآسیایی نشان می‌دهد (ل) در واژه «شکل» یک برساز<sup>۱</sup> از نوع پس‌ساز<sup>۲</sup> است که به انتهای ریشه دو حرفی «شک» اضافه شده‌است. با توجه بحث‌های «ویلیام گرای» درباره برسازهای مختلف، از جمله «ل» در زبان‌های سامی ( Luis ۴۷. ۱۹۷۱. Gray) می‌توان گفت «ل» یک هم‌خوان<sup>۳</sup> است که به یک ریشه دوحرفی اضافه شده؛ بدین معنا که این ماده از واژه ثنایی «sak» ساخته شده که

1. preformative  
2. affirmatives  
3. Consonant

پا با معنای «ساق پا» (صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴: ۱۶۵ / ۶) در ماده ثنایی «sak».

۲-۲- معنای ماده «ش ک ل» در زبان‌های سامی: جستجوها برای یافتن همزادهای ماده عربی «شکل» در زبان‌های سامی نشان از کاربردهای گسترده مفاهیم مربوط به ادراک ذهنی در شاخه‌های اکدی و کنعانی و آرامی دارد:

زبان اکدی: شامل همه زبان‌ها و لهجه‌هایی است که از زبان اولیه سامی نشأت گرفته است (فهمی حجازی، ۱۳۷۹: ۱۴۷). در ریشه اکدی «شکل»، مفاهیم مربوط به قلمرو ذهن نیز راه یافته به عنوان نمونه واژه «saklum» به معنای «شخص ساده و نادان» (Black، ۲۰۰۰: ۲۱۳) و «saklu» به معنای «نادان»، و «sukkukum» به معنای «معلول ذهنی» و «sakkukutu» به مفهوم «کری و نادانی» است (Black، ۲۰۰۰: ۳۲۷).

۲-۲-۱ زبان عبری: در انتقال بحث به شاخه کنعانی باید از «šakl» در زبان عبری به معنای «محتاط و زیرک بودن» و «چلیپاوار دراز کشیدن» (به شکل ضربدرکه حاکی از حالت مستی و بی‌خردی است) (Gesenius، ۱۹۳۹: ۹۶۸) یاد کرد. از این ماده واژگان «šakl» به معنای «فهمیدن و آموزش دادن» (Gesenius، ۱۹۳۹: ۹۶۸) و «šakl» به مفهوم «نگاه کردن و توجه کردن» (Gesenius، ۱۹۳۹: ۹۶۸) آمده و صورتهای «šakl» به معنای «فهم و هوش» و «šakl» به مفهوم «شعر متفکرانه و عمیق / آواز هنری» است (Gesenius، ۱۹۳۹: ۹۶۸) به دلیل تنوع معنایی

یکی از معانی آن «جوان کند ذهن» است (Orel & Stolbova، ۱۹۹۵: ۴۵۹-۴۶۰) این معنا در واقع با ادراک و فهم ذهنی مرتبط است. آنچه ساخت واژه «شکل» از ریشه «sak» را روشن‌تر می‌کند کاربرد دسته‌ای از مفاهیم در ریشه عربی «ش ک ل» است که بی‌ارتباط با مفهوم «شبهت»، به عنوان معنای محوری از سوی لغت‌شناسان می‌باشد بلکه اصل آن را در این ریشه از زبان آفرو آسیاتیک باید پی‌جویی کرد. به عنوان نمونه موارد ذیل را می‌توان دارای پیوند با ماده ثنایی «sak» و بی‌ارتباط با مفهوم شبهت دانست:

۱- ترکیب «شکل الامر»: «پوشیده شدن امر» (ابن‌سیده، ۱۴۲۱: ۶ / ۶۸۶) با معنای پوشاندن و پنهان کردن در ماده «sak» (Orel & Stolbova، ۱۹۹۵: ۴۵۹-۴۶۰) ۲- «شکلت المراه شعرها»: «زن موهای جلو سرش را از دو طرف بافت» (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱ / ۳۸۰) با مفهوم «بافتن» در ریشه «sak» (Orel & Stolbova، ۱۹۹۵: ۴۵۹-۴۶۰) ۳- «الشکال»: «ریشمانی که با آن چهارپایان را به بند کشند» (خلیل‌بن‌احمد، ۱۴۰۹: ۱۵ / ۲۹۶) با مفهوم نخ وریشمان در ماده ثنایی «sak» (Orel & Stolbova، ۱۹۹۵: ۴۵۹-۴۶۰) ۴- «الشواکل»: راه‌های منشعب شده از راه اصلی (صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴: ۱۶۵ / ۶؛ شیبانی، ۱۹۷۵: ۲ / ۱۳۸) همچنین «الشوکه» به معنی پیاده نظام (ازهری، ۱۴۲۱ ق: ۱۰ / ۱۵) با مفاهیمی چون «راه رفتن، دویدن» در ریشه ثنایی «sek» و نیز مطابق با مفاهیمی مثل «رفتن، عبورکردن و مسیر» در ریشه ثنایی «kal» است ۶- «الشواکل» به معنای دو

این ماده گزنیوس به دشوار بودن طبقه بندی معانی آن اذعان کرده است (Gesenius. ۱۹۳۹. ۹۶۸)

۲-۲-۲- زبان آرامی: در شاخه آرامی در فرهنگ جاسترو دو معنا برای این ریشه آمده است: معنای اول- «سَدَلٌ» و در عبری کتاب مقدس با نگارش «سَدَلٌ» به معنی روشن و درخشان بودن، نگاه کردن، به، نگاه داشتن در ذهن، منعکس کردن آمده است. «سَدَلٌ»، در چادی نیز معنای آشکارا دیدن، مشهود بودن آمده است (Jastrow. ۱۹۹۱. ۹۹۰-۹۹۱).

معنای دوم- «سَدَلٌ» به معنای مغشوش، «سَدَلٌ» در چادی نیز همان معنای مغشوش بودن، احمق بودن آمده است (Jastrow. ۱۹۰۳. ۹۹۰). آنچه در ریشه آفریوآسیاتیک و اکدی و عبری و آرامی به عنوان وجه معنایی مشترک مشهود است «مفاهیم مرتبط با قلمرو ادراک و ذهن و تفکر» است. همچنین دو مفهوم «مخفی و پوشیده بودن» و «آشکار بودن» در این زبان‌ها قابل توجه هستند. به نظر میرسد بین این دودسته از مفاهیم رابطه متقابل وجود دارد بدین صورت که آشکار و واضح بودن امور سبب فهم و آگاهی است و پوشیده و مخفی بودن امور موجب نفهمیدن و مغشوش شدن ذهن است.

۲-۲-۳ زبان سریانی: ریشه سریانی «شکل» «سَدَلٌ» نیز دارای اشتراک معنایی با زبان‌های آفریوآسیاتیک و عبری و آرامی است. مثلاً واژه «سَدَلٌ» به معنای «فهماندن و آگاه کردن» و نیز «سَدَلٌ» به معنای «زیرکی، هوش، فکر، حس و ادراک» (Costaz. ۲۲۸) است. از همین ریشه

واژه‌هایی با مفهوم «حماقت / ساده لوحی و دیوانگی» نیز کاربرد داشته است. به عنوان مثال واژه‌ای «سَدَلٌ» به معنای «حماقت و دیوانگی» و «سَدَلٌ» به معنای «اشتباه کردن» است (Costaz. ۲۰۰۲. ۲۲۸). وجه جامع این دو مفهوم ارتباط با ادراک و ذهن است یعنی به جنبه فهم و عقل که امری درونی است باز می‌گردند و «سَدَلٌ» به معنای «رمز آلود، به صورت رمزی» تداعی‌کننده امور پنهان، پوشیده و رمزگونه و مبهم است (همان). در مقابل «سَدَلٌ» با معنای «توضیح دادن» واضح و آشکار کردن یک مسأله است (Costaz. ۲۰۰۲. ۲۲۸). در سریانی هم بین مفاهیمی چون «رمز آلود بودن» با «اشتباه کردن و نفهمیدن» ارتباط وجود دارد، چرا که ابهام و رمزی بودن امور، سبب اشتباه و عدم آگاهی نسبت به آنها می‌شود. در مقابل، «توضیح دادن و آشکار کردن امور» هم با «فهماندن و آگاه کردن» نسبت متقابل دارد.

در اینخصوص می‌توان چنین نتیجه گرفت که؛ ۱- کاربرد این ریشه در مفاهیم مربوط به ذهن و ادراک ذهنی که حاکی از فهمیدن، هوش و یا بالعکس، نفهمیدن و حماقت هستند. ۲- در زبانهای متقدم نظیر آفریوآسیاتیک و اکدی، مفاهیم مرتبط با کند ذهنی و حماقت، کاربرد بیشتری داشته و در سریانی و آرامی و عبری، مفاهیمی چون تیزهوشی و فهمیدن، بدان افزوده شده است. ۳- وجود مفاهیمی چون «رمز آلود یا پنهان بودن امور» که می‌توان چنین اظهار نظر کرد که هر یک از آنها سبب عدم آگاهی و اشتباه می‌شود. ۴- وجود مفاهیمی چون «آشکار بودن

یا توضیح دادن مسائل» که لازمه فهمیدن و آگاهی است.

### ۳ - بررسی مؤلفه‌های معنایی «شکل» در زبان عربی

پیش از این بیان شد لغویان مسلمان ذیل ماده «شکل» «شبهت و مماثلت» را در قدم نخست وجه غالب معنایی در این ریشه در نظر گرفته‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳/ ۲۰۴). حال اینکه در بسیاری از کاربردهای آن نمی‌توان عنصر شبهت را دخیل دانست. مذاقه در کاربردهای ریشه «شکل» در زبان عربی ورود مؤلفه معنایی مربوط به ذهن همچون اشتباه کردن، فهمیدن و... از زبانهای نیا را نشان می‌دهد:

۳-۱: کاربرد مفاهیم «شناخت و ادراک ذهنی» در ماده عربی «شکل»، همچون زبانهای نیا: از این ریشه، عناصر معنایی «فهمیدن، تیزهوشی، نفهمیدن و اشتباه» در آفروآسیاتیک و سامی باستان بسیار کاربرد داشته است که به عربی نیز راه یافته است مثلاً یکی از کاربردهای ماده «شکل» در جایی است که دوشیء چنان با یکدیگر آمیخته و مختلط باشند که تمیز و شناخت آن مشکل باشد: «الاشکل من الابل والغنم الذی یخلط سواده حمرة کانه قد اشکل علیک لونه» اشکل، به شتر یا گوسفندی گویند که دارای رنگ‌های سیاه و سرخ آمیخته به هم باشند چنان که به نوعی خطای در فهم و تشخیص رنگ را می‌رساند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/ ۲۹۵). نمونه دیگر، واژه «مشکل» از این ماده است. لغویان گفته‌اند: امری را

مشکل گویند که انسان یا به دلیل شبهت به امر دیگر و یا به دلیل اختلاط، در تشخیص و درک صحیح آن دچار اشتباه شود و امر برای او پوشیده بماند (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۴/ ۳۸۰). واژه «أصلا» در سریانی نیز به معنای «اشتباه کردن» است (Costaz, ۲۰۰۲. p۲۲۸). در عین حال این کاربردها، پیچیدگی و ابهام در امور را نیز تداعی می‌کنند همان گونه که واژه «حصه صماقه» در سریانی به معنای «رمز آلود، به صورت رمزی» تداعی‌کننده امور پنهان، رمزگونه و مبهم است. عبارت «شکل الكتاب» که در راستای مفهوم لگام زدن چنین معنا شده: هنگامی است که کتاب را با علائم اعرابی مقید می‌کنند و این به معنی به بند کشیدن حیوان برمی‌گردد (ابن درید، ۱۹۹۱: ۱/ ۶۷) در حالی که در اینجا عنصر «وضوح متن و فهمیدن» مطرح است زیرا نوشته بدون حرکت و نقطه، دارای ابهام است و خواننده در درک مطلب دچار اشتباه می‌شود ولی چون دارای نقطه و اعراب شود خطای در فهم، اصلاح شده و مطلب واضح می‌گردد. در سریانی هم واژه «أصلا» به معنای «توضیح دادن» و آشکار کردن یک مسأله است (Costaz, ۲۰۰۲. p۲۲۸). پس هم مفهوم «اشتباه کردن و نفهمیدن» و هم مفهوم «بهرت فهمیدن»، در ریشه عربی شکل، کاربرد قابل توجهی داشته است اما لغت شناسان، مفهوم شبهت را اصل و محور دانسته‌اند.

عبارت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز کاربرد این ریشه در زمینه فهم و شناخت را آشکارتر می‌کند: «ان لا یبیع من اولاد نخل هذه القرى ودیة تشکل ارضها

#### ۴- مؤلفه های مربوط به ذهن و علم در

##### تفاسیر و برداشت ها از «شاکله»

با تأمل در نظرات تفسیری صحابه و تابعان درباره «شاکله» در آیه ۸۴ سوره اسراء می توان شاهد مؤلفه های مربوط به قلمرو ذهن بود.

۴-۱- «نیت»: معاویه بن قره (سمرقندی، بی تا: ۲ / ۳۲۶)، حسن بصری (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۵ / ۸۲) و زید بن علی (زید بن علی، ۱۳۷۶: ۲۵۴) در شمار صاحبان این دیدگاه ذکر شده اند «نوا»، به معنی «هسته خرما و مغز» است (ابن سیده، ۱۴۲۱: ۱۰ / ۵۳۷) «نِیَّة» به معنی «آهنگ»، «جهتی که مسافر به آن روی آورد» (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹: ۸ / ۳۹۴) «قصد و اعتقاد، هدف» (ابن سیده، ۱۴۲۱: ۱۰ / ۵۳۷)، «نوی» به معنی «هم آهنگ، هم قصد» (صاحب ابن عباد، ۱۴۱۴: ۱۰ / ۴۲۰) «نوی الامر» به مفهوم «قصد و اراده انجام کاری کرد» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵ / ۳۶۶) است.

اگر با توجه به اقوال، «نیت» در آیه مورد بحث را جانشین «شاکله» کنیم با توجه به محور هم نشینی واژه های «عمل» و «نیت» حدیث: «انما الاعمال بالنیات لکل امرء ما نوی» (شیخ طوسی، ۲۰۰۱: ۴ / ۱۸۶) گویا قرار گرفتن «نیت» به جای «شاکله» که «هر کس بر اساس نیت خود عمل می کند» در مرحله ای از تفسیر و سنت اسلامی، پذیرفته شده بود.

از امام صادق (علیه السلام) در تفسیر «شاکله» آمده: «نیت از عمل بهتر است، حتی نیت همان عمل است قل کل يعمل علی شاکلته؛ یعنی علی نیت» (کلینی، ۲۰۰۵: ۴۸۲-۴۸۱؛ عیاشی، ۱۳۷۸: ۲ / ۳۱۶). نیت هر

غراسا» در واقع اشاره به زمینی دارد که نخل های زیادی در آن غرس شده اند به حدی که وقتی بیننده آن را می بیند امر بر او مشتبه شده آن باغ را نمی شناسد چون با آنچه قبل از غرس کردن دیده بود خیلی متفاوت شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱ / ۳۵۷).

کاربرد عبارت «شکل الشیء» که لسان العرب آن را «صورت محسوس و نیز صورت ذهنی اشیاء» دانسته اشاره کرد (صورت ذهنی اشیاء نیز امری است مربوط به قلمرو ذهن. در تاج العروس آمده است: «یقال سالت عن شکل فلان عن مذهبه وقصده» (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۴ / ۳۸۴) در واقع «شکل» در اینجا به روش و قصد اشاره دارد که امری مربوط به ذهن و تفکر است.

این کاربردها به گونه ای با قلمرو ذهن و فهم، مرتبط هستند همان معنایی که به کرات در زبان های نیا آمده بود.

۲-۳: همانگونه که در زبان های نیا، پوشیدگی یا ابهام و رمزی بودن امور، می تواند عامل نفهمیدن باشد و در مقابل، وضوح و آشکار شدن یک مسأله موجب فهمیدن است در عربی نیز شباهت دو چیز، آمیختگی اشیاء به هم، خالی بودن متن از اعراب و اعجاز همگی از عوامل و اسباب خطای در فهمند و عاملی چون اعراب گذاری و اعجاز متن از علل بهتر فهمیدن و رفع اشتباه است. پس مفاهیم مربوط به حوزه ذهن و تفکر و فهم دست کم می توانند یکی از مفاهیم محوری در این ریشه باشند.



(فراء، بی تا: ۲ / ۱۳۳)، شیبانی (شیبانی، ۱۹۷۸: ۲ / ۱۳۸)، طبری (طبری، ۱۴۱۲: ۱۵ / ۱۰۳)، و نحاس (نحاس، بی تا: ۴ / ۱۸۸) «شاکله» را در این آیه گاه به تبع ابن عباس و گاه صرفاً به عنوان نقل دیدگاه او «ناحیه» معنا کرده‌اند. نمودار ذیل گسترده‌گی و امتداد نقل مفهوم «ناحیه»، برای واژه «شاکله» و غلبه این دیدگاه ابن عباس را نزد مفسران قرون بعد نشان می‌دهد.

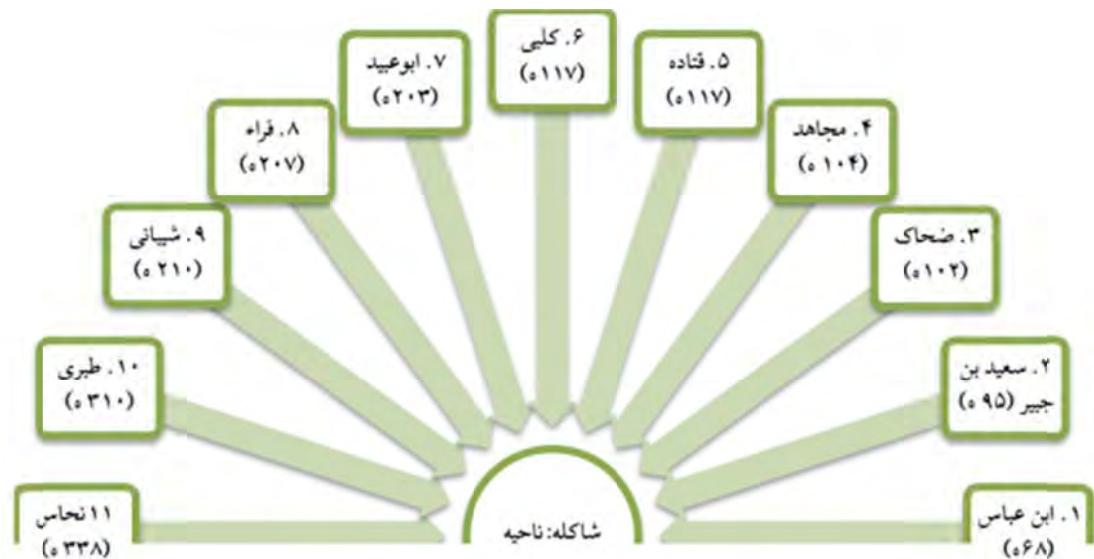
«ناحیه» که «ناحیات و نواح» جمع آن بوده، به معنی «جانب و جهت» و به معنی «بخش» و «دیوار» است (زبیدی، ۱۴۱۴: ۲۰ / ۲۲۶). «نَحِيَّةٌ» یعنی: «قصد، هدف و نشانه» (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹: ۳ / ۳۰۲)؛ «ناحیه» و جمع آن «نواحی» به معنای «کناره»، آمده و «هو نَحِيَّةُ القَوَارِعِ» یعنی «او نشانه سختی‌ها است» (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹: ۳ / ۳۰۳) وقتی گفته می‌شود: «اهل المنحاة» یعنی «بیگانگان» (زبیدی، ۱۴۱۴: ۲ / ۲۲۹)

با قراردادن مفهوم ناحیه در محور جانشینی به جای شاکله با معنای (قصد و هدف)، آیه این گونه معنا می‌شود: هر کس بر اساس قصد و هدف خود عمل می‌کند که قصد و هدف نیز امری ذهنی و وابسته به درک و تفکر آدمی است. در این معنا، منشأ عمل، امری درونی است. و از سویی «ناحیه» با معنای «بخش و دیوار و بیگانه» در محور جانشینی به جای «شاکله»، وجهی دیگر نیز دارد که هر فردی بر اساس بخش و دیوار و به تعبیری آداب و سنن جامعه خود عمل می‌کند» که عاملی بیرونی اجتماعی است. ارتباط

شخص در حقیقت یک امر ذهنی برخاسته از نوع تفکر و ادراک ذهنی او نسبت به مسائل مختلف است. اگر نیت منشأ عمل افراد باشد این منشأ به امری درونی در هر فرد اشاره دارد.

۲-۴- «خیدبه»: این واژه به معنای «راه آشکار» و «رأی مرد و امر اول او» است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱ / ۳۴۶) فراء در تبیین مفهوم شاکله آورده؛ عرب می‌گوید: «فلان علی طریقه صالحه، و خیدبه صالحه» (فراء، بی تا: ۲ / ۱۳۳). این واژه به معنای «راه آشکار» به مفهوم «طریق» مرتبط است که خود یکی از معانی مستقل یادشده برای شاکله است و «خیدبه» به معنای «رأی مرد و امر اول او» معنای نیت را به ذهن متبادر می‌کند. رأی و نظر هر کس نیز امری ذهنی و مرتبط با نوع ادراک و تفکر اوست. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱ / ۳۴۶؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۷ / ۱۲۸)

۳-۴- «ناحیه»: آن دیدگاه ابن عباس که در میان کتابهای تفسیری قرنهای بعد به کرات آمده. (ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۳)، تابعان نیز به این معنا، برای مفهوم «شاکله» اشاره کرده‌اند که عبارتند از: سعید بن جبیر (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳ / ۵۰)، مجاهد (طبری، ۱۴۱۲: ۱۵ / ۱۸۸) قتاده (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۳ / ۴۸۱) که هر سه، از شاگردان ابن عباس هستند. برخی از مفسران نامدار بعد از تابعان مانند، ضحاک (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۱ / ۳۲۲) و کلبی (سمرقندی، بی تا: ۲ / ۳۲۶)، نیز «شاکله» را «ناحیه» معنا کرده‌اند. مفسرانی دیگر تا نیمه قرن چهارم، مثل: ابو عبید معمر بن مثنی (ابو عبیده، ۱۹۹۰: ۱ / ۳۸۹، ابوالفتوح، ۱۴۰۸: ۱۲ / ۲۸۳)، فراء



این دو مفهوم «بخش و دیار» که محرکی اجتماعی برای بروز رفتار است با «قصد و هدف» که عاملی ذهنی است می تواند به این صورت باشد که آداب و سنن و جامعه از عوامل مؤثر بر نحوه تفکر و ذهنیت افراد است.

معادل‌هایی چون «نیت»، «ناحیه» با مفهوم «قصد و آهنگ» و «خیدبه» به مفهوم «رأی مرد و امر اول او» مرتبط با عرصه فکر و ذهن هستند چنانکه امام صادق (ع) خلود برخی در جهنم و یا در بهشت را منوط به نیت، قصد و طرز فکر آن‌ها می‌داند: *إِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ النَّارِ فِي النَّارِ لِأَنَّ نِيَّاتِهِمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ خُلِدُوا فِيهَا أَنْ يَعْصُوا اللَّهَ أَبَدًا وَإِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ لِأَنَّ نِيَّاتِهِمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ بَعَثُوا فِيهَا أَنْ يُطِيعُوا اللَّهَ أَبَدًا فَبِالنِّيَّاتِ خُلِدَ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ تَعَالَى قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ قَالَ عَلَى نِيَّتِهِ* (مجلسی، ۱۳۶۷: ۱ / ۳۴۷) اهل دوزخ بدین دلیل در آن جاودانه اند که نیت و اندیشه آن‌ها این بوده که در دنیا برای همیشه عصیان کنند و بالعکس، بهشتیان در آنجا جاودانه اند چون نیت و فکر آنها این بوده که

در دنیا برای همیشه خدا را اطاعت کنند (فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۱: ۶۹۴) این معادل‌ها مربوط به دوران پیدایش تفاسیر یعنی از قرن اول هجری تا اوائل قرن سوم هجری است. گرچه نیت و ناحیه در قرون بعد نیز همواره به عنوان معادل برای شاکله نزد مفسران، جایگاه ویژه‌ای داشته و به صورت انگاره‌ای پایدار درآمده است.

۴-۴- «علی ما هو أشکل بالصواب وأولی بالحق عنده»: قولی است که ابو مسلم اصفهانی (م ۳۲۲) به نقل از محمد بن عبد الوهاب جبایی (م ۳۰۳) از مفسرین معتزله در تفسیر «شاکله» آورده است (اصفهانی، بی تا، ج ۳، ص ۳۵۹). این دیدگاه در حقیقت «کنش فاعلی به اعتبار حسن فعل» است (همان) بدین معنا که افراد طبق آنچه که آن را نیکو می‌پندارند عمل می‌کنند اگرچه به حقیقت هم نزدیک نباشد. در این دیدگاه، فاعل به اعتبار درست بودن فعل به زعم خود آن را انجام می‌دهد که بر حقیقت هم اولویت دارد. این تعبیر حاکی از دیدگاه گروهی از معتزله است که به آزادی مردم در فعل و عمل اعتقاد داشته و خداوند

الله، ۱۴۱۹: ۲۱۶/۱۴). در نگاه این مفسر، «شاکله» گرچه صورت شخصی و درونی افراد است ولی پایه و اساس آن، افکار و علائق و ادراکات آنها نسبت به مسائل مختلف است و از آنجا که افکار، ذهنیت ها و علائق انسان ها با یکدیگر متفاوت است، رفتار آنها نیز یکسان نیست.

۴-۹- «نیت از عقیده و عقیده نتیجه فکر و عقل است»: در میان مفسران معاصر صادقی تهرانی «شاکله» را چنین تحلیل کرده است: «گویا نیت همان عمل است از آن رو که نیت عامل نزدیک برای هر عملی است و تبعیت می کند از اراده و سپس عمل رخ می دهد. نیت از عقیده حاصل شده و عقیده از عقل و فکر به دست آمده است» (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۳۱۴/۱۷-۳۱۳). در این دیدگاه نیت، عامل مباشر عمل است و عقل و فکر، عامل بعید است، بدین صورت که هر انسان بر اساس تفکر و تعقل، عقیده ای برایش حاصل می شود و در مرحله بعد، اراده انجام عمل و نیت و قصد فعل ایجاد میشود که منجر به به بروز عمل می گردد.

۴-۱۰- «شاکله، توانمندی شکل دهی به عمل متناسب با علم و باور»: پژوهشگر قرآنی احمد رضا اخوت در تعریف شاکله گزاره هایی ارائه داده که در میان آنها علم آن هم از نوع تفصیلی از جایگاه خاصی برخوردار است: «می توان شاکله را وضعیتی از نفس دانست که نسبت به انجام عملی، به علم کافی و دارای تشخیص دست می یابد که در اثر آن هدایت یا ضلالت را برای خود رقم می زند. تنها در صورتی که

راخالق افعال و کفر و گناه دیگران نمی دانند. در این برداشت تفسیری ذهنیت و نحوه تفکر افراد نسبت به حسن و قبح فعل منجر به صدور فعل می گردد.

۴-۵- «علی ما أشکل عنده وأولی بالصواب فی اعتقاده»: دیدگاهی است که قرطبی با ذکر «قیل» در تفسیر خود از آن ذیل آیه «شاکله» یاد کرده است (قرطبی، ۱۳۶۴: ۳۲۲/۱۱). به نظر میرسد این تفسیر تبیین دیگری از همان دیدگاه قبلی است.

۴-۶- «علم و معرفت»: محمد بن حسن شیبانی در تفسیر خود به دیدگاه صاحب النظم در تفسیر «شاکله» اشاره می کند که گفته: «کل یعمل علی ما عنده من العلم والمعرفه» هر کس بر اساس آنچه از علم و معرفت نزد اوست عمل می کند (شیبانی، ۱۴۱۳: ۲۵۴/۳). این مفسر، آگاهی و علم و شناخت هر کس را پایه ای برای بروز رفتار می داند.

۴-۷- «مذاق ورأی»: حویزی در معنای «شاکله» آورده است: «هر مؤمن و کافری بر اساس مذاق ورأی خود عمل می کند (کرمی حویزی، ۱۴۰۲: ۲۲۵/۵). رأی هر فرد همان نحوه فکر و بر پایه آگاهی های اوست.

۴-۸- «عمل، تمثیلی از افکار، ادراکات، اسلوب ها و علاقه های فرد»: است: سید محمد حسین فضل الله ذیل این آیه عمل را صورت شخصی و درونی انسان میدانند که تمثیلی از افکار و ادراکات، اسلوب ها و علاقه های فرد است و بر این اساس، انسان از جایگاه عوامل فکری، درونی و عاطفی حرکت می کند که حیاتش متوجه آن است و از این روست که اعمال مردم با هم تفاوت دارد (محمد حسین فضل

فرد دارای علم تفصیلی در جهت کتاب، وحی و قرآن باشد هدایت برای او امکان پذیر می گردد» (اخوت، ۱۳۹۴: ۳۷). وی در تبیینی دیگر، شاکله را توانمندی شکل دهی به عمل متناسب با علم و باوردانسته است: «برایند شاکله، رسیدن به علم تفصیلی پذیرفته شده (یا فقدان علم تفصیلی) نسبت به مقدمات عمل است که محدوده آن عمل راتعیین می کند و در اثر آن هدایت یا ضلالت را برای فرد مهیا می سازد» (همان).

۴-۱۱- شاکله، ملکات است و ملکات تابع علمند: مرتضی مطهری در بحث «نقش عمل در ساختن انسان» به آیه «شاکله» استناد کرده چنین گفته است: «حکمای ما از زمان بوعلی بحث خوبی تحت این عنوان داشته اند که: عمل، انسان را به شکل خود درمی آورد. چون آنها قائل به اصالت روح هستند. آنها مطلب را این طور بیان می کنند که همان طور که انسان هر ملکاتی داشته باشد و علم او هر نوعیت خاص و چگونگی خاص داشته باشد عملش قهرا تابعی است از علمش (قل کل یعمل علی شاکله). عکس قضیه هم صادق است؛ یعنی اگر انسان ولوبه حکم یک سلسله علل اتفاقی، یک عملی انجام بدهد که این عمل متناسب با یک فکر خاص و یک روح خاص باشد این عمل در او تأثیر متناسب با خود را می گذارد» (مطهری، ۱۳۸۲: ۶۶۲/۱۳). البته ملکه به عنوان تفسیر «شاکله» از سوی مفسرانی دیگر نیز مطرح بوده است (جرجانی، ۱۳۷۷: ۳۳۵/۵؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹: ۲۵۶/۱؛ طباطبایی، ۱۳۶۶: ۲۶۲/۱۳).

چنانکه ملاحظه می شود قلمرو ذهن و مؤلفه هایی که مربوط به آن است مانند «نیت، ناحیه به معنای قصد و اراده، خیدبه به مفهوم رأی و نظر، علم و معرفت، آنچه در عقیده هر کس به صواب نزدیک تر است، مذاق و رأی، علم تفصیلی و علم غیر تفصیلی، عقل و فکر، ملکات نفسانی که بر پایه علم اند» در برداشت های تفسیری از «شاکله» جایگاه ویژه ای داشته است به گونه ای که برخی از این مؤلفه ها چون نیت، از عصر پیدایش تفاسیر تا کنون مطرح بوده و مطمح نظر محققان قرار گرفته است و برخی چون ملکات نفسانی که ماهیتی علمی دارند با ورود افکار فلسفی به حیطه تفسیر مطرح شده اند. برای تبیین کارکرد مفهوم علم و ذهن در رفتار باید به ارتباط مفاهیمی چون نیت، ملکات، علم و ذهن با کنش های انسانی پرداخت.

#### ۵- رابطه نیت با علم و عمل:

نیت، حالت وصفی برای قلب است که بین علم و عمل قرار گرفته، علم به این که چه کاری می خواهد انجام دهد قبل از نیت و اراده تحقق پیدا کرده و عمل و کار پس از اراده تحقق می یابد (کاشانی، بی تا: ۱۰۶/۸). نیت، قصد انجام دادن فعل و واسطه بین علم و عمل است (مشکینی، ۱۳۸۰: ۶۴). افعال ارادی انسان مبتنی بر دو مبدأ علم و گرایش است. به عبارتی علم شرط بیدار شدن میل و رغبت نهفته در آدمی است.

یعنی میل و گرایشی که در نفس انسان نهفته است برای تأثیر خود و صدور فعل از انسان باید موضوع وزمینه ای برای خود بیابد. این زمینه و موضوع در

همان مرحله اراده نفس است. بنابراین بروزیت به صورت عمل پس از اشتداد میل به واسطه علم صورت می گیرد.

ازین رو استاد مصباح یزدی نیز در تعریف نیت، دو عنصرانگیزه و علم و آگاهی را دخیل میداند: «نیت، انگیزه اختیاری و آگاهانه برای انجام دادن کارها است» (مصباح یزدی، بی تا، ص ۲۱). نکته ای که باید بر آن تأکید کرد همان اشتداد علم برای بروز میل و نیت است. به دیگر بیان برای صدور فعل ارادی از فاعل، مطلق علم و میل هم کافی نیست. چه بسا انسان، فعلی را تصور می کند و گرچه در گام نخست مفید بودن آن را نیز تصدیق می کند اما پس از مقایسه آن با افعال ارادی دیگر، از انجام آن منصرف می شود. در واقع نسبت به مفید بودن عمل، تصدیق واقعی و ماندگار صورت نگرفته است. وقتی درجه علم، ضعیف است میل و نیت نیز به همان میزان ضعیف است و هر چه علم، روشن تر و واضح تر باشد میل و اراده شدیدتر خواهد بود. علامه طباطبایی نیز در تحلیل حدیث «ما ضعف بدن عما قویت علیه النیت» (صدوق، ۱۳۶۷: ۲۹۳)، بر عنصر علم در بروز نیت تأکید ویژه ای دارد: «هر کاری را که انسان نمی تواند به دلیل این است که نمی داند، نیت و قصدش را ندارد چون قصدش فرع بر دانستن است. انسان اگر واقعا به مرحله علم برسد که می تواند پرواز کند، پرواز می کند یعنی تأثیر علم تا این حد است (به نقل از مطهری، ۱۳۸۲: ۱۳/۶۶۹)

۶- رابطه ملکات و علم:

حقیقت به وسیله علم تصویری و تصدیقی که به واسطه بعد علمی و ادراکی نفس حاصل می شود تأمین خواهد شد. برای تبیین جایگاه حقیقی نیت در افعال ارادی مثالی را در نظر بگیرید: هنگامی که برای ادای احترام برای شخصی می ایستیم این ایستادن، باطنی دارد و ظاهری. باطن و مقصود حقیقی از این ایستادن و احترام فقط برای ما و خدا وند مشخص است. فرض کنیم این ایستادن برای دستیابی به موقعیت و منفعتی مادی باشد.

در این جا گفته میشود که این ادای احترام به نیت دستیابی به فلان منفعت مالی و مادی انجام شده است. آنچه مهم است روشن شدن مفهوم نیت در این فعل است و این که نیت از چه مقوله ای است و منشأ انتزاع آن چیست؟ در تجزیه و تحلیل روند صدور این فعل باید به عناصر مؤثر در بروز آن توجه کرد. در حقیقت قبل از صدور فعل ایستادن و احترام گذاشتن، تصوراتی برای فاعل حاصل می شود که ترتیبی منطقی میان این تصورات وجود دارد. ابتدا تصویری از مطلوب، یعنی آن منفعت مادی در ذهن شخص حاصل می شود در مرحله بعد تصور «ایستادن و احترام» به عنوان وسیله ای برای رسیدن به مطلوب برای شخص حاصل می شود، و در پایان تصدیق به مفید بودن این ایستادن و احترام کردن، صورت می گیرد که تمام این تصورات و تصدیقات از مقوله علمند. این علم شرط جوشش میل و گرایش به انجام عمل ایستادن و ادای احترام است. وقتی میل، شدید شد نفس، دستور انجام عمل را به بدن می دهد و این

ملکات روحی امری ماوراء علم و به عنوان کیفیتی نفسانی که نمی توان آن را تعریف کرد نیستند بلکه از سنخ علم اند، چنانکه مطهری گفته است: «ملکات، ازدیاد علم است. علم مراتب دارد یعنی چیزی که ما در شعور آگاهمان به آن علم می گوئیم یک درجه ای از علم است. انسان وقتی بر چیزی زیاد ممارست می کند و برایش ملکه می شود، در واقع آن علم است که رسوخ بیشتری کرده است. همان حرفی که حکما می گویند که انسان وقتی عملی را انجام می دهد روحش صورت آن را می گیرد. (صورت علمی) (مطهری، ۱۳۸۲: ۱۳/۶۶۹). علامه طباطبایی نیز بر این عقیده است: «ملکات جز علم چیز دیگری نیست. مثلاً انسان وقتی می خواهد خط بنویسد ممکن است قانون خط را به او درست یاد داد که الف باید چطور و ب چطور باشد بطوری که به دیگران هم بتواند درس دهد ولی در مقام عمل، خودش نمی تواند یک الف درست بنویسد اما وقتی تکرار می کند کم کم می تواند آنچه را می داند به وجود بیاورد این امر نیست مگر برای این که در اثر عمل، علمش فزونی پیدا می کند (به نقل از مطهری، همان).

۷- تأثیر ذهن و آگاهی های آن بر رفتار از منظر روان شناختی:

در رویکرد روانشناسانه به کنش های انسان مؤلفه هایی چون تجربیات فرد از بدو تولد، پیوندهای عاطفی او با اطرافیان، تلقین محیط و تعامل والدین و مربیان و جامعه با فرد از همان سالهای نخست زندگی، باعث شکل گیری الگوهای ذهنی، ساختارها و باورهای اولیه

می شوند که همه اینها در واقع آگاهی ها و نحوه تفکر او را شکل می دهند، و دارای قدرت بسیار در بروز رفتارهاست به حدی که مانع از شکل گیری الگوها و باورها و اطلاعات متعارض با خود می شود و فرد به سوی معاشرت و دوستی با افراد و گروهها و دیدن فیلم ها و مطالعه کتاب هایی می رود که همان باورها و الگوهای ذهنی وی را تأیید کنند.

پژوهشگرانی که با نگاهی روانشناسانه به آیه «شاکله» پرداخته اند نیز بر تأثیر ساختارهای ذهنی و قالب های هشیار و ناهشیار تفکر بر رفتار صحنه گذاشته اند: «امروزه این موضوع در روان شناسی با عنوان "ساختارهای شناختی" به خوبی تبیین می شود. ساختارهای شناختی قالب های هشیار و ناهشیار تفکر به ویژه باورها، اعتقادات، تعهدات، فرضیات ضمنی و معانی است که فرد بر حسب عادت بر اساس آنها خود و دنیایش را تفسیر می کند (مثل توقع بی حد و حصر، نگرانی و غیره) و طرحواره های شناختی را شکل می دهد. این طرحواره های تردیدناپذیر در دوسطح هشیار و وابسته به تجربه و سطح ناهشیار و مستقل از تجربه در نحوه پردازش اطلاعات و ساماندهی رفتار تأثیر می گذارند... ساختار شناختی، رویداد و فرایند شناختی و عاطفی تولید می کند و خود توسط رویداد و فرایند شناختی و عاطفی توسعه و تعدیل می شود.

مثلاً در سوگیری خودتأییدی، که فرایندی خودکام بخش نامیده می شود، ما در روند پردازش اطلاعات، داده های خاصی را ادراک می کنیم، خطرات خاصی

علوم و معارف خود پر کرده که دیگر جایی برای رذائل باقی نگذاشته است» (طباطبایی، ۱۳۶۶: ۵۳۹/۱). در این جا ممکن است گفته شود افراد از بدو تولد در انتخاب والدین، محیط و شرایط زندگی که شکل دهنده به افکار اویند نقشی ندارند ولی از منظر دین راه تغییر و تحول اگرچه دشوار ولی از طریق کارکرد اندیشه در مراحل بعد نیز وجود دارد و گرنه مسئولیت اخلاقی، دیگر مفهومی نداشت از این روست که گنهکاران در قیامت، فرجام خود را تنها و تنها به عدم کارگیری اندیشه پیوند می زنند: «لو کنا نسمع او نعقل ما کنا فی اصحاب السعیر» (ملک/۱۰). و درنگاهی دیگر ریشه همه خوبی ها تفکر دانسته شده: «اوصیکم بتقوی الله و إدامت التفکر فان التفکر أبو کلّ خیر و أمه (وزام، ۱۴۱۰: ۲۵/۱) و «من عمر قلبه بدوام الذکر حسنت افعاله فی السّرّ و الجهر» (آمدی، ۱۹۹۰: ۶۶۴) تربیت دینی با به کارگیری رویکردی مبنایی به مقولاتی همچون تفکر، تعقل و تذکر، قدرت ذهنی انسان را افزایش می دهد بدین ترتیب که هم موضوع تفکر برای اندیشیدن و هم راهکارهای عملی برای توجه به برخی موضوعات و انصراف از برخی دیگر ارائه داده است.

سراسر قرآن کریم مملو از دعوت به تفکر به موضوعاتی چون خداوند و اوصاف او، توجه به مخلوقات و قدرت آفریننده، هدف و غایت حیات و توجه به قیامت و... است. راهکارهایی عملی نیز برای فراهم شدن زمینه صحیح تفکر مانند هجرت از سرزمین کفر، همنشینی با صالحان، حضور در مجالس

را به خاطر می آوریم، به تجربه های ویژه توجه می کنیم و موارد عدم تأیید را پس می زنیم. در واقع فرد تمایل به انتخاب و پردازش محرک هایی دارد که با زمینه ذهنی او سازگار است» (قراملکی، ۱۳۹۴: ۵۷-۳۶).

۸- تأثیر ذهن و آگاهی های آن در رفتار از منظر اسلام هر فرد از بدو تولد بر مبنای محیط و شرایطی که در آن رشد می کند اعم از والدین و مربیان و اطرافیان، دارای تجربیات و آگاهی ها و ذهنیتی خاص نسبت به خود، دیگران و جنبه های مختلف زندگی می شود. این آگاهیها و تجربیات بر اثر تکرار به تدریج تبدیل به ضمیر ناخودآگاه گشته و منشأ رفتارهایش میگردد. اسلام برای سامان دادن به بخش ضمیر ناخودآگاه و ناهشیار ذهن انسان، برای تعلیم و تربیت و شکل دهی به تفکرات جایگاه ویژه ای قائل است و از این طریق مبدأ میل انسان را به سوی فضائل شکل می دهد: «در این میان، طریقه سومی است که مخصوص قرآن کریم است و در هیچ یک از کتب آسمانی که تا کنون به ما رسیده یافت نمی شود... و در هیچ از مکاتب فلاسفه و حکمای الهی دیده نشده است. آن عبارت است از این که انسان ها را از نظر اوصاف و طرز تفکر طوری تربیت کرده که دیگر محل و موضوعی برای رذائل اخلاقی باقی نگذاشته است؛ به عبارت دیگر اوصاف رذیله و خوی های پسندیده را از طریق رفع از بین برده نه دفع، یعنی اجازه نداده که رذائل در دل ها راه یابد تا درصدد برطرف کردنش برآیند بلکه دل ها را آن چنان با

که سبب نا آگاهی و اشتباه می‌شود و مفاهیمی چون «آشکار بودن یا توضیح دادن مسائل» در آن زبان‌ها که لازمه فهمیدن و آگاهی است.

- مؤلفه‌های مربوط به حوزه ذهن و تفکر از زبان‌های نیا به عربی نیز راه یافته است هر چند که لغت‌شناسان مفهوم «شباهت» را به عنوان معنای محوری برگزیده‌اند اما با توجه به این که به کارگیری مفاهیم حوزه ذهن از زبان آفروآسیاتیک تا اکدی، عبری، آرامی، سریانی سیر و روندی پیوسته داشته یعنی در همه آنها ذکر شده و سپس به عربی هم راه یافته است پس دست کم می‌تواند یکی از مفاهیم محوری در این ریشه به شمار آید.

- همانگونه که در زبانهای نیا، پوشیدگی یا ابهام و رمزی بودن امور، می‌تواند عامل نفهمیدن باشد و در مقابل، وضوح و آشکار شدن یک مسأله موجب فهمیدن است در عربی نیز شباهت دو چیز، آمیختگی اشیاء به هم، خالی بودن متن از اعراب و اعجاز همگی از عوامل و اسباب خطای در فهم‌اند و عاملی چون اعراب‌گذاری و اعجاز متن از علل بهتر فهمیدن و رفع اشتباه است.

- مفاهیمی چون «علم و تفکر» به معادلها و برداشت‌ها از «شاکله» از دوره پیدایش تفاسیر تا کنون نیز راه یافته است. معادل‌هایی همچون «نیت، ناحیه، خیدبه و...» که بر «نیت» در لسان معصومین در تفسیر شاکله تأکید شده است.

- با بهره‌گیری از دستاورد‌های ریشه‌شناسی در زبان‌های نیا ارتباط این معادل‌ها به خصوص نیت که از مقوله ذهن و آگاهی‌های آنند با مفهوم ذهن، علم و

علم «وقفوا اسماعهم علی العلم النافع لهم»: گوش‌های خود را وقف علمی سودمند کرده‌اند (سید رضی، ۱۳۹۸: ۸) داده شده است.

همچنین برای رهایی از تشویش‌ها و افکار مخرب نیز دستوراتی آمده است: مثلاً دوری از چشم‌دوختن به دنیای دیگران «لا تملدن عینیک الی ما متعنا به من ازواجهم و اموالهم» (طه/۱۳۱) و «ایاکم أن تملدوا الی ما فی ایدی أبناء الدنیا» (محمودی، ۱۳۸۱: ۲۰۹) و یا اینکه اگر انسان به دنبال یک امر دنیایی بوده ولی به آن دست نیافته برای رهایی از تشویش‌ها باید خود را از آن موضوع به غفلت بزنند «اجعل ما طلبت من الدنیا فلم تظفر به بمنزله ما لم یخطر ببالک» (اربلی، ۱۴۲۶: ۱/۵۷۲).

فکر نکردن به موضوعات منفی که منشأ نگرانی‌ها و اعمال سوء‌اند مانند فقر «لا تحدت نفسک بفقر» (حرآنی، ۱۴۰۴: ۲۱۱) «الشیطان یعدکم الفقر ویامرکم بالفحشاء» (بقره/۲۶۸).

### نتیجه‌گیری

- با بهره‌گیری از روش ریشه‌شناسی، می‌توان یکی از محورهای معنایی ریشه «شکل» در زبان‌های سامی و آفروآسیاتیک را مفاهیم مربوط به قلمرو ذهن همچون «فهمیدن، نفهمیدن، عالم، جاهل، شعر متفکرانه» دانست. در زبانهای متقدم نظیر آفروآسیاتیک و اکدی، مفاهیم مرتبط با کند ذهنی و حماقت، کاربرد بیشتری داشته و در سریانی و آرامی و عبری، مفاهیمی چون تیزهوشی و فهمیدن، بدان افزوده شده است. مفاهیمی چون «مزآلود یا پنهان بودن امور» در زبان‌های نیا



- تفکر، که از زبان های نیا به عربی راه یافته روشن می شود.
- ابو عبید، قاسم بن سلام (۱۹۹۰م). *الغریب المصنف*.  
 مصحح: عبیدی، محمد مختار. تونس: الموسسه الوطنیه للترجمه و التحقیق و الدراسات بیت الحکمه.
- أخفش، سعید بن مسعده البلخی المشاجعی (۲۰۰۲). *معانی القرآن*. بیروت: عالم الكتاب.
- اخوت، احمد رضا (۱۳۹۴ش). *شاکله (معنا و فرایند)*. (بی جا): انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت.
- اخوت، احمد رضا (۱۳۹۴ش). *شاکله نفس بی جا: انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت*.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). *تهذیب اللغة*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اصفهانی، ابو مسلم محمد بن بحر (بی تا). *موسوعة تفاسیر المعتزله*. بی جا: بی نا.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی (۱۹۹۰). *غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دارالکتب الاسلامی.
- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۲ق). *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ثعالبی عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق). *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*. تحقیق: شیخ محمد علی معوض و شیخ عادل احمد عبدالموجود. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق). *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جوهری، الصحاح (۱۹۹۰م). *تاج اللغة و صحاح العربیة*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حبیب بن ابراهیم، تفلیسی، ابو الفضل (۱۳۶۰ش). *وجوه*
- ابن جوزی، ابو الفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق). *زاد المسیر فی علم التفسیر*. بیروت: دار الكتاب العربی.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق). *المحکم و المحيط الأعظم*. محقق: هند داوی، عبدالحمید. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی بن حسین (۱۴۰۴ق). *تحف العقول عن آل الرسول*. (بی جا): انتشارات آل علی.
- ابن حسنون، عبدالله (۱۳۶۵ق). *اللغات فی القرآن*. تحقیق: صلاح الدین المنجد. قاهره: مطبعه الرساله.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق). *المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*. تحقیق: عبدالسلام عبدالشافی. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. محقق: هارون، عبدالسلام محمد. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن قتیبہ الدینوری، عبدالله بن مسلم (۲۰۲۲م). *تأویل مشکل القرآن*. تحقیق: سعد بن نجدت عمر. بیروت: موسسه الرساله ناشرون.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان*

- قرآن، ترجمه: دکتر مهدی محقق. بی جا: بنیاد قرآنی.
- حسینی، اعظم السادات (۱۳۹۹)، «پایان نامه دکتری: روند شکل گیری برداشت های مختلف از آیه شاکله». دانشگاه فردوسی مشهد.
- الحلبي، السمين (۱۹۹۴م). *الدر المصون فی علم الكتاب المکنون*. تحقیق احمد محمد الخراط. دمشق: دار القلم.
- درزی، قاسم. سلمان نژاد، مرتضی (۱۳۹۸ش). «فرآیندشناسی مطالعات میان رشته‌ای در پژوهش‌های قرآنی، نمونه موردی: شاکله». نشریه رهیافت‌هایی در علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد. (۴) پایپ ۴۰. صص ۱۵۷-۱۸۵.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی (۱۴۰۸ق). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. تحقیق: دکتر محمد جعفر یاحقی - دکتر محمد مهدی ناصح. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴ش). *مفردات الفاظ قرآن*. تهران: بی نا.
- زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *تاج العروس*. بیروت: دارالفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۹۷۹م). *أساس البلاغة*. بیروت: دار صادر.
- زید بن علی (۱۳۷۶). *تفسیر غریب القرآن*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله (۱۴۱۹ق)، *ارشاد الازدهان الی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- سجستانی، محمد بن عزیز (۱۹۹۵م). *غریب القرآن*.
- تحقیق: محمد ادیب عبدالواحد جمران. بی جا: دار القتیبه.
- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد (بی تا). *بحر العلوم*. بی جا: بی نا.
- سمون، مرتضی (۱۳۹۶ش). «شاکله نظریه محوری اسلام در خصوص شخصیت». *فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. (سال ۱۷) پایپ: ۵۱. صص ۹۸-۱۲۳.
- سید رضی، ابوالحسن محمد بن حسین (بی تا). *تلخیص البیان عن مجازات القرآن*. بی جا.
- سید رضی، ابوالحسن محمد بن حسین (۱۳۹۳). *نهج البلاغه*. تهران: انتشارات پیام عدالت.
- سیوطی، جلال الدین (بی تا). *الاتقان فی علوم القرآن*. عربستان: مجمع ملک فهد.
- شبیبانی، اسحاق بن مرار (۱۹۷۵م). *کتاب الجیم*. مصحح: ابیاری، ابراهیم. قاهره: الهیئه العامه لشئون المطابع الامیریه.
- صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*. مصحح: آل یاسین، محمدحسن، بیروت: عالم الکتب.
- صادقی، تهرانی، محمد (۱۳۶۵ش). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- صافی، محمود بن عبدالرحیم (۱۴۱۸ق). *الجدول فی اعراب القرآن*. دمشق: دار الرشید.
- صدوق، محمد (۱۴۱۷ق). *الامالی*. قم: بی نا.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). *ترجمه تفسیر المیزان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البيان في تفسير القرآن*. بيروت: دار المعرفه.
- قرطبي محمد بن احمد (۱۳۶۴ش). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- فراء، يحيى بن زياد (بی تا). *معاني القرآن*. تحقيق: محمد علي النجار. الدار المصرية للتأليف.
- كليني، محمد بن يعقوب (۴۲۶ق). *اصول الكافي*. بيروت: دارالمرتضى.
- فراهيدي، خليل بن احمد (۱۴۰۹ق). *كتاب العين*. قم: نشر هجرت.
- كرمي حويزي، محمد (۱۴۰۲ق). *التفسير لكتاب الله المنى*. قم: چاپخانه علميه.
- فضل الله، سيد محمد حسين (۱۴۱۹ق). *تفسير من وحي القرآن*. بيروت: دارالملاك.
- ماتريدي، محمد بن محمد (بی تا). *تأويلات اهل السنة*. بيروت: دارالكتب العلمية.
- مشكيني اردبيلي، علي (۱۳۸۰ش). *درس هايي از اخلاق*. تهران: الهادي.
- مصباح يزدي، محمدتقي (بی تا). *كلمة حول فلسفة الاخلاق*. قم: انتشارات در راه حق.
- فيض كاشاني، ملامحسن (۱۴۱۸ق). *الأصفي في تفسير القرآن*. قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي.
- مطرزي، ابو الفتح ناصر (۱۹۷۹م). *المعرب في ترتيب المعرب*. تحقيق: محمود فاخوري، عبدالحميد مختار. حلب: مكتبة ايامة بن زيد.
- فيض كاشاني، ملامحسن (بی تا). *المحجة البيضاء في تهذيب الاحياء*. قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲ش). *مجموعه آثار*. قم: انتشارات صدرا.
- قبادی، فرشته، درزی، قاسم (۱۳۹۷ش). «سیر تحول معنایی انگاره «شاکله» در گستره تفاسیر، دوره پیدایش و کلاسیک». *فصلنامه علمی-پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (علیها السلام)*. (شماره ۴) ۴۰-۱۵۷-۱۸۵.
- عمر بن مثنی، ابو عبیده (۱۳۸۱ش). *مجاز القرآن*. تحقيق: محمد فؤاد سزگين، قاهره: كتيبة الخانجي.
- قراملكی، احد فرامرز (۱۳۹۳ش). «نقش مواجهه مسأله محوریا آیه شاکله؛ رویکرد روش شناختی»، *مجله مطالعات روش شناسی دینی*. سال اول.
- مقاتل بن سلیمان (۱۹۹۴م). *الأشباه والنظائر*. تحقيق: عبدالله محمود شحاته. مصر: هیئت المصریه العالمه للكتاب.
- قراملكی، احد فرامرز، سکینه سلمان ماهینی (۱۳۹۴ش). «دلالت های تربیتی مفهوم قرآنی شاکله بر اساس رهیافت علامه طباطبایی در تفسیر المیزان». *دو فصلنامه پژوهشی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، سال سوم، (شماره ۴) ۵۷-۳۵.
- نحاس، ابو جعفر (۱۴۲۱ق). *معانی القرآن*. تحقيق: شیخ جمال الدین محد شرف بیجا: دارالصحابه للتراث بطنطا.
- Black, Jeremy, Andrew George, Nicholas Postgate, A Concise Dictionary of Akkadian, 2000.
- Campbell, Lyle, *Historical Linguistics*, Cambridge, The MIT Press, 1999.
- Costaz, Louis, *Syriac-English*

- Jastrow, Marcus, *A Dictionary of the Targumim*, London/New York, G. P. Putnam's Sons, 1903.
- Orel, Vladimir & Stolbova, Olga, *Hamito-Semitic Etymological Dictionary*, Leiden, Brill, 1995.
- Gesenius, William, *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*, ed. F. Brown, Oxford, Oxford University Press, 1939.

